****

[ادامه حل تعارض در ادله زیاده در اشواط سعی 1](#_Toc487716290)

[نظر مختار در حل تعارض روایات 2](#_Toc487716291)

**موضوع**: احکام سعی /سعی /حج

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## ادامه حل تعارض در ادله زیاده در اشواط سعی

به نظر ما عمده اشکال در صحیحه عبد الله بن محمد و صحیحه معاویة بن عمار است که فرق می گذاشت بین زیاده 8 شوط به بطلان سعی و لزوم اعاده آن و بین زیاده 9 شوط به الغاء هشت شوط اول و قرار دادن شوط نهم را به عنوان اولین شوط سعی صحیح و این دو صحیحه با یکدیگر متفق هستند و هر دو حکم به بطلان سعی به زیاده می کنند و البته صحیحه معاویة بن عمار تبصره ای در مورد شوط نهم هم دارد.

در مقابل این دو صحیحه، صحیحه دیگر معاویة بن عمار در رابطه با کسی که 15 شوط بجا آورده است می باشد که حکم کرده به طرح هشت شوط و اعتداد به هفت شوط، این صحیحه ظهور در بطلان سعی به زیاده ندارد و شاید مقصود این باشد که هفت شوط اول قبول است و هشت شوط آخر بی اثر و ملغی است و مطابق با نظریه عدم بطلان سعی به زیاده است، بر خلاف محقق خوئی که فرمود مقصود روایت این است که هشت شوط اول الغاء می شود و هفت شوط آخر پذیرفته می شود، ولی این مطلب متعین نیست و این که اول الغاء هشت شوط در روایت مطرح شده، دلیل نمی شود بر این که هشت شوط اول باید الغاء شود و شاهدش روایت دیگری است که در زیاده یک شوط فرموده یطرح واحدا و یعتد بسبعة، در آن جا با این که اول در روایت طرح واحد مطرح شده است، اما قطعا مقصود، طرح شوط آخر است، در این جا نیز ممکن است مقصود از هشت شوط مطروح، هشت شوط آخر باشد.

لذا دو دلیل بیشتر بر ابطال سعی به زیاده نداریم و در مقابل آن روایاتی است که می گوید زیاده سهویه و جهلیه مبطل سعی نیست و اشکال این بود که وقتی زیاده سهویه و جهلیه مبطل سعی نباشد، دیگر به غیر از زیاده عمدیه علمیه که فرد نادر است، چیزی تحت مطلق باقی نمی ماند و حمل مطلق بر فرد نادر نیز مستهجن است و این که برخی مثل محقق داماد و آیت الله زنجانی ادله وجوب اعاده را حمل بر استحباب کرده و جمع حکمی بین ادله نموده اند، چنان که قبلا گفتیم عرفی نیست.

### نظر مختار در حل تعارض روایات

من زاد فی سعیه فعلیه الاعادة، ارشاد به مبطلیت است و در مقابل صحیحه هشام قرار دارد و در آن تعلیلی آمده که استظهار ما این است که می خواهد بگوید مطلقا زیاده در سعی مبطل نیست، حتی در فرض علم و عمد، ولو مورد صحیحه هشام، زیاده جهلیه است، اما حضرت فرمود قد زادوا علی ما علیهم لیس علیهم شیء، یعنی اشکالی ندارد، چون بیشتر از مقدار واجب انجام داده اند، و کم انجام نداده اند و نسبت بین این صحیحه و روایاتی که دال بر بطلان سعی به زیاده بود، تباین خواهد شد، اما صحیحه عبد الرحمن بن الحجاج شاهد جمع می شود: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ (عليه السلام) فِي رَجُلٍ سَعَى بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ ثَمَانِيَةَ أَشْوَاطٍ مَا عَلَيْهِ فَقَالَ إِنْ كَانَ خَطَأً اطَّرَحَ وَاحِداً وَ اعْتَدَّ بِسَبْعَةٍ.[[1]](#footnote-1)

مفهوم روایت این است که در فرض خطا، زیاده مبطل سعی نیست، اما در فرض غیر خطا، زیاده مبطل سعی است.

ان قلت: این شاهد جمع، مشکل حمل بر فرد نادر را حل نمی کند، چون حمل دو دلیل بر بطلان، بر فرد نادر که زیاده از روی علم و عمد باشد، مستهجن است.

قلت: در مقابل خطا، علم و عمد نیست، چندین فرض در مقابل خطا متصور است، یکی علم و عمد است، دوم جهل بسیط است، زیرا جاهل شاک در این که آیا ذهاب و ایاب یک شوط است، یا دو شوط و به سبب این جهل زیاده آورد، بر او صدق نمی کند که از روی خطا اشواط سعی را زیاد کرده است، سوم جهل به حرمت زیاده در سعی است، برخی می دانند هفت شوط سعی واجب است، اما نمی دانند زیاده بر اشواط سبعه حرمت وضعی یا تکلیفی دارد، بر این ها نیز صدق نمی کند که زیاده از روی خطا آورده اند، مثل این که در روایتی آمده که عده­ای در ماه رمضان وقتی هوا تاریک شد، فکر کردند شب شده و افطار کردند، بعد معلوم شد که چنین نبوده، روایت می گوید باید قضاء کنند، زیرا از روی عمد افطار کرده اند، با این که جاهل بوده اند، اما چون اکل متعمدا بوده، افطار عمدی کرده است و نه افطار خطائی.

لذا در صحیحه عبد الله بن محمد و معاویة بن عما نیز هر سه فرض باقی می ماند، جاهل به مانعیت و حرمت زیاده، جاهل بسیط و عالم عامد.

البته اشکال دیگری مطرح است مبنی بر این که مورد صحیحه هشام با این توجیه سازگار نیست، چون مورد صحیحه هشام، جهل بسیط یا جهل به مانعیت زیاده است و نباید طوری روایت را معنا کرد که تخصیص مورد لازم آید.

البته شاید گفته شود معلوم نیست هشام جاهل بسیط یا جاهل به مانعیت زیاده بوده باشد، بلکه هشام می گوید من در حال سعی به رفیقم گفتم تحفظ علیّ، مقدار اشواط سعی را به خاطر بسپار، بعد از مقداری سعی، فبلغ مثل ذلک (بنابر برخی نسخ) یعنی دیدم رفت و برگشت یکی شد، به این معنا که همان جا که شروع کردیم، در همان جا هم سعی تمام شد و نه در مروه و عملا هفت شوط رفتیم و هفت شوط برگشتیم (در حالی که در هفت شوط، چهار شوط می روند و سه شوط برمی گردند) یا فبلغ بنا ذلک یا فبلغ منی ذلک (بنا بر برخی نسخ) یعنی این سعی به من اثر کرد و کانّ خسته شد، و گفتم چگونه حساب می کنی؟ گفت رفت و برگشت را یک شوط حساب می کنم و لذا 14 شوط شد، فاتممت اربعة عشرة شوطا اگر این را به کلام رفیق هشام بزنیم، معنایش این است که آخر کار و بعد از اتمام سعی گفته زیاده آورده شده است و معنایش این است که خود هشام تا آخر مطلع از زیاده نشد، و بنا بر این احتمال هشام در طول سعی جاهل به مقدار سعی بوده است، اما رفیقش که فکر می کرد باید ایاب و ذهاب را یکی حساب کند، جاهل مرکب می شود، بنا بر این احتمال دیگر الغاء مورد نمی شود و می شود زیاده از روی خطا فرض شود.

اما این معنا خلاف ظاهر است، بلکه ظاهر این است که هشام در اثناء سعی فهمید، و ظاهر این است که فاتممناه، کلام هشام است، زیرا وقتی رفیقش گفت رفت و برگشت را یکی حساب می کنم، غیر عرفی است که خود او بگوید 14 شوط انجام دادیم، چون فرض این است که رفت و برگشت را یکی حساب کرده و باید بگوید هفت شوط انجام دادیم، لذا ظاهر این است که هشام می گوید بعد از این که رفیقم گفت رفت و برگشت را یکی حساب می کنم، ما تا 14 شوط به اتمام رساندیم، و ظاهرش این است که گرچه در اول که فهمید زیاد شد، جاهل مرکب بود، اما بعد از این قضیه متوجه شد که دارد زیاده انجام می دهد و از آن جا به بعد، جاهل بسیط یا جاهل به مانعیت زیاده است و این که گفته شود بعد از اتمام اشواط از رفیقش پرسیده که 7 شوط انجام دادیم یا 14 شوط؟ عرفی نیست، زیرا غیر متعارف است که شخصی متوجه زیاده بین 7 و 14 نشود.

بله، در صحیحه جمیل، جمیل جاهل به مقدار بوده است و ممکن است جاهل مرکب به مقدار سعی بوده باشد.

لذا بر فرض که شاهد جمعی که ما گفتیم، موجب حمل صحیحه عبد الله بن محمد و معاویة بن عمار بر فرد نادر نشود، ولی الغاء مورد صحیحه هشام پیش می آید.

لذا این جواب هم تمام و قانع کننده نیست.

1. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج13، ص491، أبواب أن من زاد فی السعی...، باب13، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/13/491/السعی) [↑](#footnote-ref-1)